



لحظة آها

مهران امیری

## باور خلاقیت

می گفت این رفیق ما نه میلیارد، که مولتی میلیاردر است، اما دقت و تیزبینی اش در قبال کارها هرروز بیشتر می شود، آنقدر به کارش علاقه مند است و باور دارد که می گوید اگر چیزی نداشته باشم جز لباس تنم، می توانم در کمتر از یک سال به همه آنچه الان دارم دوباره برسم.

مکالمه دلنشیم با این دوست عزیز درباره کارآفرین موفق به اینجا ختم شد که برای موفقیت در این عرصه باید به خودت و کاری که می کنی باور داشته باشی. باور خلاقیت مهم ترین نکته در این زمینه است.

مراکز متعدد آموزشی مشغول آموزش افرادی با توانایی های مختلف برای انجام درست و ثمربخش امور هستند، اما حاصل کار این مراکز اثربخشی محدودی داشته. آنچه در عرصه عمل رخ داده این است که تعدادی افراد برای کسب مهارت هایی وارد این مراکز شده اند و در خوش بینانه ترین حالت موفق به آموختن فنون مربوط به رشته ای شده و برای کار در آن زمینه آماده شده اند، اما همه می دانیم که از آموختن برای کار در یک رشته خاص تا خلق و مبتکر بودن در آن رشته فاصله زیادی است. و آنچه این فاصله را بزرگتر می سازد باورهای درونی این افراد است.

بسیار شنیده و دیده ایم که افراد باورمند به کار و برنامه ای که در پیش گرفته اند، چگونه بر مشکلات غلبه کرده و نتایج شگفت انگیزی به دست آورده اند. در همه این موارد نه امکانات و تسهیلات بلکه تلاش باورمندانه این افراد است که راهگشا بوده است. مرور زندگی و کار افرادی که کارآفرین شناخته می شوند نیز همین نکته را تایید می کند.

برنامه ریزی و سازمандهی امور در مراکز آموزشی مسیر و روندهای ویژه خود را دارد، هر چند سال هاست مدیران برنامه ریز از لزوم پیوند دادن آموزش های جاری در این مراکز با فضای کسبو کار صحبت می کنند اما رسیدن به نقطه ای که نشان دهنده تحول باشد همچنان بعید به نظر می رسد.

گرچه کوشش های متعددی را که در این عرصه شده نمی توان انکار کرد اما به نظر می رسد در کنار آن لازم است به نکات دیگری هم توجه شود. افراد آموزش دیده ای که قادرند وارد بازار کار شوند بدون شک نیازمند فراگیری کوچکی مواجهه با مسائلی واقعی دنیای کسبو کار هستند و بهتر است آموزش ها خود را با شرایط و نیازهای جامعه سازگار کنند، اما این تنها یک سوی ماجراست.

در بهترین حالت این افراد به اجزای مفید و کارآمد سامانه ای تبدیل می شوند که با هدایت صحیح می توانند نتایج درستی به بار آورند، اما هدایت و پیشبرد کار را چه کسانی بر عهده خواهند گرفت؟

افراد تعلیم دیده ای که آماده عرضه توانایی های تخصصی خود هستند همواره نیازمند وجود کسانی هستند که باور عمیق و روشنی نسبت به تمربخش بودن فعالیت در حوزه خود داشته باشند و زمینه بروز خلاقیت ها را فراهم کنند. روشن است که باورمندی نتیجه یک فرایند مبتنی بر شناخت و احاطه بر حوزه کار و درک کلان از روند جریان امور است و نباید آن را با خیال پردازی اشتباه گرفت. این نوع افراد هستند که می توانند موتور محرکه سامانه ای باشند که با حضور دانش آموختگان در هر رشته ای شکل گرفته و آماده ثمردهی است.

به نظر می رسد نظام اداری و آموزشی مربوط به حوزه کسبو کار عرصه را بر بروز و ظهور این وجه از امور تنگتر کرده است. نظام آموزشی کمتر مجالی برای حرکت فراتر از چارچوب های ازپیش تعیین شده و مصوب آموزش ها فراهم می سازد، از طرفی نظام اداری و سامانه های تامین مالی اجرای طرح های مختلف نیز کمتر آمادگی مواجهه با این مسئله را دارند.

این درست همان نقطه ای است که در سال های اخیر در دنیا منجر به بروز پدیده ای به نام استارت آپ شده و مسیری خارج از نظام متعارف اداری را برای حمایت از طرح های خلاقانه ایجاد کرده است. هر فردی که باورمندانه و با اتکا به دانش و توان تخصصی قادر به ارائه طرح خود و جلب نظر حاضران در این فضا باشد، می تواند امکانات لازم برای ادامه کار خود را دریافت کند. متأسفانه این پدیده نیز به درستی شناسایی نشده و دستاویز اقدامات سودجویانه واقع شده است.

باور به خود و باور خلاقیت را شاید نتوان آموزش داد اما فضاسازی ها و زمینه پردازی های مناسب می تواند به رشد این نوع توانایی های افراد کمک کند. کشور ما در دوران اخیر بیش از تجهیزات و آموزش نیازمند افرادی است که به توانایی خود برای کمک به پیشرفت کشور باور داشته باشند.

## بو کالتر، در دستان اخترفیزیکدان ایرانی

بار دیگر ایرانی هادر زمینه علم و فن آوری خوش درخشیدندو نیايش افشردی جایزه کیهان شناسی «بو کالتر» را گرفت. این اخترفیزیکدان ایرانی که در حال حاضر در موسسه فیزیک نظری پریمتر و دانشکده فیزیک و نجوم دانشگاه واترلوی کانادا مشغول به فعالیت است، موفق به دریافت جایزه سوم کیهان شناسی بو کالتر (The Buchalter Cosmology Prize) شد. دکتر نیايش افشردی و دکتر الیوت نلسون به پاس یافته های تحقیقاتی خود برنده این جایزه معتبر کیهان شناسی شدند. اما جایزه بو کالتر چیست؟ جایزه سالانه بو کالتر به محققان و ارائه دهندگان نظر بیهای جدید در حوزه کیهان شناسی و اختر فیزیک اعطا می شود و شامل سه جایزه ۱۰ هزار، ۵ هزار و ۲ هزار و ۵۰۰ دلاری است.

## ۰۴ | کتینه نو



## کودکان را برای کارآفرینی تربیت کنیم

گزیده هایی از سخنرانی کامرون هرولد، کارآفرین کانادایی



ترجمه

فریبا عوض زاده

از قطعات ماشین در کارگاهش بود، همین طور مقادیری فلز برنج و مس قدیمی. از او پرسیدم با این ها چه کار می کند. گفت: «آن ها را دور می ریزد.» پرسیدم: «کسی حاضر نیست برای این ها پولی بدهد؟» گفت: «شاید.» به یاد داشته باشید من آن زمان ده ساله بودم، یعنی ۳۴ سال پیش در این ها فرصت می دیدم. می دیدم که در اشغال پول نهفته است. با دو چرخه آن ها را از کارگاه های تعمیر ماشین جمع می کردم، یکشنبه ها پدرم من را به مرکز بازیافت آهن می برد و من آن ها را می فروختم. عجیب اینکه ۳۰ سال بعد، ما شرکت بازیافت زباله را تأسیس کردیم و از این راه هم درآمد کسب می کنیم.

ما به بچه هایمان آموزش می دهیم و برای آن ها بازی می خریم، اما چرا برای آن ها بازی هایی را نیابوریم که اگر بچه هایی کارآفرین هستند خصلت هایی را که برای کارآفرینی لازم است در آن ها تقویت کند؟ چرا به آن ها یاد ندهیم پول را هدر ندهند؟ به خاطر دارم در شهر بنف در آلبرتا به خاطر اینکه یک پنی را در خیابان انداختم مجبورم کرد و وسط خیابان بروم و آن را بردارم. پدرم گفت: «من سخت کار می کنم تا پول درآورم، نمی خواهم یکبار دیگر ببینم که تو پول هدر می دهی.» و این درس تا امروز به یاد من مانده است.

پول توجیبی عادت های بدی را به بچه ها یاد می دهد. پول توجیبی به بچه ها می آموزد که به شغل و استخدام شدن فکر کنند. کارآفرین در انتظار دریافت چک منظم نیست. پول توجیبی کودکان را از سن پایین به گونه ای تربیت می کند که منتظر چک و پرداخت منظم باشند. اگر می خواهید کارآفرین تربیت کنید این روش درستی نیست. من دو فرزند هفت و نه ساله دارم و به آن ها یاد می دهم که اطراف خانه و حیاط به جستجوی وسایلی بروند که باید تعمیر شوند. بعد ما مذاکره می کنیم، با آن ها در مورد اینکه برای چه کاری دستمزدم بدهم مذاکره می کنم، بنابراین آن ها دستمزد ثابت ندارند، بلکه فرصت های بیشتری برای یافتن چیز های بیشتر دارند، مهارت مذاکره کردن و مهارت یافتن فرصت ها را هم یاد می گیرند.

برخی از ویژگی های کارآفرینی که باید در بچه ها تقویت شود از این قرار است: نتیجه گرایی، استمرار، رهبری، درون نگری، همبسته بودن، ارزش ها. همه این ویژگی ها را می توان در کودکان دید و می توان آن ها را تقویت کرد.

پدرم صاحب کارگاه تعمیرات ماشین و صنعت بود. انبوهی

### نمای نزدیک

ما به بچه هایمان آموزش می دهیم و برای آن ها بازی می خریم، اما چرا برای آن ها بازی هایی را نیابوریم که اگر بچه هایی کارآفرین هستند خصلت هایی را که برای کارآفرینی لازم است در آن ها تقویت کند؟ چرا به آن ها یاد ندهیم پول را هدر ندهند؟ به خاطر دارم در شهر بنف در آلبرتا به خاطر اینکه یک پنی را در خیابان انداختم مجبورم کردم وسط خیابان بروم و آن را بردارم.

# آفرینش

می توانیم از صفر شروع کنیم



یکشنبه ۲۷ دی ۱۳۹۴ • شماره سی و نه

A T I V E H N O

## گفت و گو با هنرمند حصیرباف روستای پامنار دزفول

# حصیربافی را زنده نگه داشتم

این مرد از سرزمین آب و نور است، سرزمین جنوب. چهل و پنج سال است حصیر می بافت. از اجدادش آموخته، پایه پای پدر بزرگ و مادر بزرگش، رنج به رنج بافته تا این هنر را فرا گرفته. حالا در روستای پامنار پشت سد دز، کارگاهی راه انداخته که همه اعضای خانواده با او همراه شده اند. علی شهبی زاده هفت فرزند دارد، چهار دختر و سه پسر. به جز آن ها نزدیک ۳۰ نفر از قوم و خویش هایش یا او همراه و در کارگاه او مشغول به کارند. تلاش ها و موفقیت او در این راه باعث شده روستاهای اطراف هم در این راه قدم بگذارند و محصولات حصیربافی تولید کنند. شهبی زاده با همه آن ها همراهی می کند. او بسیاری از حصیربافی های روستاهای دیگر را جمع آوری می کند و آن ها را در سایر شهرهای می فروشد. او توانسته در این زمینه میلیون ها تومان ثروت تولید کند و نه تنها کسب و کار خودش را پررونق سازد بلکه برای مردم روستاهای اطراف هم کارآفرینی کند. هرچند نبود بیمه و برخوردار نبودن از حمایت از سوی مسئولان سازمان میراث فرهنگی قلبش را در ۷۳ سالگی از رده و او حالا از مسئولان مربوط گله دارد که چرا برای توسعه این هنر اقداماتی جدی انجام نمی دهند.



فاطمه علی اصغر

faliasghar9@gmail.com

### تولیدی خانوادگی

شهبی زاده را دیگر همه اهالی دزفول می شناسند. او یکی از استادکاران به نام حصیربافی در خوزستان است که نه تنها وارد کار تولید گروهی و فامیلی شده بلکه برای توسعه حصیربافی در دزفول، کار خرید و فروش این محصولات از روستاهای اطراف را هم به عهده گرفته. «من شلم صنایع دستی است. حصیربافی را ابتدا از روستای پامنار آغاز کردم و همین امر باعث شد ساکنان خیلی از روستاهای اطراف مثل اسلام آباد و دارک هم علاقه مند به این هنر شوند.» او حصیربافی را در جنوب ایران زنده کرده، هنری که به معنی یافت رشته های حاصل از الیاف گیاهی است. جنوبی ها با استفاده از الیاف درخت نخل بهترین و زیباترین حصیربافی را به بازار عرضه می کنند. صنعتگران به کمک ابزار ساده دستی دست به کار می شوند و محصولات مختلفی تولید می کنند، محصولاتی چون زیرانداز، سفره حصیری، انواع سبد، انواع ظرف و... با یومبایوفی، مرواریدی، ترکه بایفی، چمبایفی، سبیدیافی و... این ها همه از هنرهای زیبای حصیربافی هستند. چیمبایفی یکی دیگر از محصولات حصیربافی است، با این تفاوت که در روند یافت علاوه بر الیاف گیاهی از نخ شیمی رنگ شده نیز برای ایجاد نقش و طرح های سنتی استفاده می شود.

«ما کاربری تازه ای به حصیربافی دادیم و سال هاست که با توجه به نیاز مردم محصولاتی چون جانونی، سفره، کلاه و سینی هم تولید می کنیم.» ایده تغییر کاربری به محصولات حصیربافی رنگ و رونقی تازه داده. شهبی زاده حالا سال هاست نمایشگاه های زیادی از هنرش را در تهران، شیراز، بوشهر و... به نمایش گذاشته است: «مانی سازمان میراث فرهنگی نمایشگاه های صنایع دستی متعددی برگزار می کرد. این نمایشگاه ها نقش زیادی در فروش محصولات ما داشتند، اما حالا مدت هاست که نمایشگاهی بر پا نشده و همین مسئله به توسعه کار ما لطمه وارد کرده است.»

### بیمه نداریم

یکی از دغدغه های شهبی زاده و البته بسیاری از هنرمندان صنایع دستی این روزها نداشتن بیمه است: «از سال ها پیش سازمان میراث فرهنگی وعده داده بود که هنرمندان صنایع دستی را بیمه می کند اما متأسفانه مادر فهرست بلند و بالای مسئولان نبودیم، با اینکه من کارت صنعتگری بین المللی داشتم و در این زمینه کارهای بسیاری انجام دادم و در نمایشگاه های زیادی شرکت کردم. من این هنر را زنده نگه داشتم، افسوس که این به چشم مسئولان نمی آید.» او به همراه خانواده اش در روستای پامنار، اتفاقات خوبی را در زمینه گردشگری رقم زده است: «توربست های بسیاری از کشورهای ایتالیا و آلمان به اینجا می آیند، تنها برای اینکه محصولات ما را

### پیشرفت

بارها خواستیم فضای آموزشی مناسبی برای احیای صنایع دستی را اندازی کنیم و قبول های هم از سوی سازمان میراث فرهنگی به ما داده شد، اما متأسفانه هنوز جایگاهی برای آموزش اختصاص داده نشده است. من به جز حصیربافی خیلی کم زراعت می کنم، اما شغل اصلی خودم را صنایع دستی می دانم. در این زمینه زحمات بسیاری کشیده ام. این هنر را دوست دارم و دلم می خواهد آن را توسعه دهم.



عکس: مجتبی کیهانی